

نکات و درسهائی از "انتخابات"

مرجان افتخاری

یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۸۸

پس از تقریباً سه ماه تبلیغات بالاخره احمدی نژاد با کسب ۶۲٪ آراء بعنوان ریاست جمهوری "انتخاب" شد. از همان ابتدا رقابت احمدی نژاد و میر حسین موسوی محور تمام تحلیلهای، بحثها، اخبار داخل و خارج از کشور بود و کانداهای دیگر چندان جایی در این رقابت نداشتند. هر دو کاندیدای اصلی همیشه پستهای مهم و کلیدی را در دوره های مختلف در این رژیم داشته اند و چهره های شناخته شده برای مردم بودند و باز هر دوی آنها در مقاطع مختلف در سرکوب دانشجویان، کارگران و زنان و بطور کلی مردم کشورمان سابقه دار هستند. خانواده های زندانیان سیاسی سابق، کودکان آنها و زندانیان سیاسی که از کشتارهای سال ۶۰ و سپس کشتار سراسری سال ۶۷ جان سالم به در بردند هرگز ترور و وحشت دوران نخست وزیری میر حسین موسوی را فراموش نکرده اند.

دانشجویان و جنبش دانشجویی نه تیر ماه سال ۷۸ خاتمی و نه ۱۳ آذر ۸۶ احمدی نژاد را که منجر به دستگیری و شکنجه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب شد از یاد برده اند. طبقه کارگر و جنبش کارگری که برای مطالبات اقتصادی و حق تشکلهای مستقل خود بارها مورد سرکوب قرار گرفته اند حمله و هجوم وحشیانه به سندیکای شرکت واحد و دستگیری اعضای و رهبران آن از جمله آقای اسنانلو که هنوز هم در زندان است را فراموش نکرده اند.

زنان و جنبش زنان که از همان روزهای اول تشکیل جمهوری اسلامی با طرح حجاب اجباری اسلامی از طرف خمینی از حق انتخاب آزادانه پوشش محروم شدند، بارها در طول این سالها مورد سرکوب قرار گرفتند. جنبش زنان هم مانند جنبشهای دیگر هیچگاه نمیتوانند سرکوب دائمی این رژیم را فراموش کنند.

در طول سی سال گذشته و دوره های مختلف ریاست جمهوری هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد به جز وخیم تر شدن وضعیت اقتصادی، گرانی مایحتاج اولیه زندگی، بیکاری و نهیدستی بیشتر مردم "سرکوب" موضوع اصلی و محوری تمام این دورانها بوده است. انتخاب احمدی نژاد و یا موسوی برای روشنفکران، فعالین سیاسی، گروه ها، سازمانها و احزابی که در خارج از کشور هستند و انتخابات را تحریم کرده بودند تغییری ایجاد نمیکند ولی واکنش مردم در مقابل این "انتخابات" در داخل کشور و شرکت ۸۰٪ مردم باید بطور طبیعی حائز اهمیت باشد. شرکت وسیع مردم در این "انتخابات" نشان میدهد که مردم داخل کشور بدون در نظر گرفتن جو خارج تصمیم گیرندگان سر نوشت خویش هستند.

علیرغم تبلیغات در خارج از کشور که تحریم انتخابات را به درستی در تمامی بیانیها و اعلامیه مطرح میکرد ولی تصاویر تلوزیونی و انیترنتی و شرکت در صد عظیمی از مردم بیان ساده ای از استقلال مردم در تصمیم گیری است. مردم بدون در نظر گرفتن نظر این با آن حزب، بدون در نظر گرفتن جو و فضای حکم در خارج از کشور در این "انتخابات" شرکت فعال داشتند. این موضوع یعنی واکنش مستقل مردم نشان میدهد که احزاب، گروه ها و سازمانهای که در خارج از کشور هستند چندان اعتباری از لحاظ نظرات سیاسی در بین مردم بویژه نسل جوان و فعال ایران ندارند، به عبارت دیگر اگر مسائل به شیوه ای که تا کنون پیش رفته است ادامه پیدا کند، هیچ جریان سیاسی در خارج از کشور نمیتواند ادعای رهبری، سازماندهی و آلترناتیو سیاسی آینده در داخل باشد. این موضوع پس از ۲۸ سال حائز اهمیت است و جا دارد که گروه ها و احزاب سیاسی به طور جدی به این موضوع بیندیشند

- حضور مردم بخصوص جوانان و زنان نشان میدهند که تا چه حد مسائل سیاسی در کشور ما حائز اهمیت است و تا چه اندازه مردم درگیر مسائل سیاسی که به آنها مربوط میشوند هستند. پس از ۳۰ سال سرکوب شدید و نقض حقوق بشر با وجود شرایط اسفبار اقتصادی مردم هنوز در صحنه سیاسی نقش آفرین هستند و تماشاچیان بی نظر و بی تفاوت نیستند. - صحنه هائی که در سی سال گذشته کمتر دیده میشود نشان از روحیه مبارزاتی مردم دارد. حتی اگر شده این مبارزه در انتخاب بین بد و بدتر جسم پیدا کند آنها حضور دارند.

- مناظره تلویزیونی بین کاندیدها که برای اولین بار در ایران صورت گرفت و افشاء گریه‌های هر دو طرف در رابطه با مسائل اقتصادی و سیاسی تحمیلی بود به جناح احمدی نژاد. برای اولین بار پس از ریاست جمهوری بنی صدر و درگیری‌های او با رجائی و بهشتی بار دیگر شکاف بین دو جناح حاکم بیش از هر زمان دیگر عریانتر و عمیق تر شده است. از این به بعد برای احمدی نژاد و دار و دسته او بدون سرکوب عریان و ارگانیزه بسیج و اطلاعات ادامه حیات سیاسی امکان پذیر نیست. این شکاف میتواند حتی در مواقعی به سرکوب و دستگیری اطرافین و نزدیکان رژیم حاکم هم منجر شود.

- خواستهای دموکراتیک و مبارزه برای کسب آزادیهای دموکراتیک اصلی ترین، فراگیرترین و همگرا ترین موضوعی است که میتواند میلیونها نفر را به خیابانها بکشاند. خواست "آزادی" که محور انقلاب بهمن بود هنوز پس از سی سال سرکوب، سی سال درگیری سیاسی برای مردم مطرح و جایگاهی ویژه ای دارد. زندانهای جمهوری اسلامی اگر زمانی محل فعالین حرفه ای و هواداران این یا آن جریان سیاسی بودند اکنون محلی برای هر فریاد و هر صدای آزادیخواهانه است. حضور زنان علیرغم سرکوب سی ساله و فرهنگ و سنت های پوسیده مذهبی، طرح خواستهای برابری طلبانه خود را در گرو "آزادی" جستجو میکنند چرا که "آزادی" اولین گام و اولین مرحله در راه برابری است.

- واقعیت این است که خواسته های دموکراتیک اندیشه بیان، قلم، حق انتخاب پوشش و حق داشتن تشکل، حق اعتصاب، لغومجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و برابریهای جنسیتی با مبارزه طبقاتی در کشور ما گره خورده است.

ولی تجربه ای که در این میان هر نیرو و جریان سیاسی و انقلابی از "انتخابات" باید بگیرد و آنرا با تجربه اوائل انقلاب ۵۷ مقایسه کند بیش از همه اهمیت دارد. در سی سال پیش اگر تنها بر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی پا فشاری شد بدون در نظر گرفتن خواستهای ملموس و واقعی مردم این بار باید به خواستهای ملموس مردم یعنی "آزادی" و آزادیهای دموکراتیک از یک سو و جدائی بدون قید و شرط مذهب از قدرت سیاسی پافشاری کرد. تنها در چنین صورتی است که یک حزب انقلابی قادر خواهد بود آلترناتیو واقعی مردم باشد و رهبری ادامه انقلاب را در دست داشته باشد.

مرجان افتخاری

ژوئن ۲۰۰۹

Eftekhari_marjan@yahoo.com